

دیبچه‌ای نویافته از مرّعی گم‌شده

(نوشته مرتضی قلی شاملو به تاریخ ۱۰۷۵ق)

سبحان الله، تماشای این شاهد مرّعی پوش کن که حُسن خط ریحانش صیرفی را به بازار خریداری آورده و آبرنگ (؟) یاقوت لبش اختیار از شاه و درویش برده. گفت‌وگوی نستعلیق آمیزش به رفاع‌نویسان شکسته‌رقم قطعه میرعماد نموده و جستجوی نزاکت کلامش میرعلی را برده. اگر سلطانعلی و شاه محمود محراب ابروی دایره نونش را به هلال مذهب نمایند، بهزاد مسکینی (؟) صورت احوال نادرالزمانی بودن را تصور نتواند کرد و منوهر و منصور نقش مانی را به یوسف طلعتان نمودن نتواند. علایک تبریزی و محمدحسین از مائده عبدالله طبّاخ چاشنی خط خوان خلیل یافته تا شاه (؟) فرزندی رشیدا و عبدالجبار اختیار کرده. مصوّران نقطه خال رخسارش را دانه دام نظر ساخته، هر صفحه از رنگینی زیب و زیور چهره‌گشای خزانه اکبر و حاشیه‌نشین مجلس قدرشناسان معتبر. عبدالباقی کتابه‌نویس بیت‌المعمور بلندی نامش و علیرضا تک امیر (؟) صورت اتمامش. در مجلّدی کتاب القابش اشرف‌خان ید طولاً و در تحریر قلم‌پردازی ایوانش ملا یاری همّت والا.

تراب اقدام قبله حقیقی حسن خان که والد بزرگوار است در قلمرو اخلاص صاحب‌کمالان گرم جستجو، مرتضی قلی شاملو، به تحریر صفت این اوراق پرداخت و زیاده‌ازین به بی‌آدابی هنر (؟) خاطر را متوجه نساخت. تحریر سنه ۱۰۷۵.

کله نامه بهارستان: از آقای امرالله صفری برای در اختیار گذاشتن اصل این قطعه سپاسگزاریم.

۱ کذا. ظاهراً چند کلمه را جا انداخته است.



دبیاجه مرثعی گم شده، به خط و انشاء مرتضی قلی شاملو. اندازه داخل جدول ۲۰/۶ × ۱۵ س م (از مجموعه شخصی امیرالله صفوی).